



Elucidating the Jurisprudential Principles of Islamic Architecture and Urban Planning Based on Family Values with Emphasis on Nafy-e Sabīl as a Mandatory Rule

Asghar Molaei 

Received: 01 August 2024 | Received in revised form: 31 August 2024 | Accepted: 05 November 2024 | Published: 30 June 2025

Abstract

The family occupies a significant position in Islamic architecture and urban planning. A family-based model of architecture and urban development necessitates adherence to specific requirements concerning spatial and physical aspects, functionality, and management. Neglecting these requirements has led to the construction of residential complexes, towers, and apartment buildings that engender numerous issues, such as the loss of comfort and peace for families. The fiqhi rule of Nafy-e Sabīl (negation of subordination)," one of the most important and well-known legal principles in Islam, is, like all other fiqhi rules, directed toward the welfare of Muslims. Numerous verses in the Holy Quran emphasize the negation of subordination of non-believers over Muslims. Therefore, the aim of this article is to elucidate the status of the family in the fiqhi principles of Islamic architecture and urban planning. This study employs a content analysis method and logical reasoning with an interdisciplinary approach, utilizing library and documentary techniques. The findings indicate that the Islamic city, neighborhood, and home serve as manifestations and applications of fiqhi rules, including the rule of "Nafy-e Sabīl." According to this rule, an Islamic neighborhood must facilitate the implementation of divine commandments, including the centrality of mosques. The family-oriented model of housing should be low-density, secure, and designed around courtyards to ensure that an Islamic lifestyle is supported by Islamic architecture and urban planning.



Keywords: Family, Islamic Lifestyle, Islamic City, Jurisprudence of Architecture and Urban Planning, Rule of Nafy-e Sabīl.

* Associate Professor of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran; Email: A.molaei@tabriziau.ac.ir

■ Molaei, A., (2025)., Elucidating the Jurisprudential Principles of Islamic Architecture and Urban Planning Based on Family Values with Emphasis on Nafy-e Sabīl as a Mandatory Rule. *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, 3 (1), 35-63. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.11759.1090>



تبیین احکام فقهی معماری و شهرسازی اسلامی خانواده‌مبنا با تاکید بر قاعده نفی سیل به عنوان یک قاعده آمره

اصغر مولائی ^{id}*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

خانواده جایگاه مهمی در معماری و شهرسازی اسلامی دارد. به‌طوری‌که الگوی معماری و شهرسازی مبتنی بر خانواده مستلزم رعایت الزاماتی در جنبه‌های فضایی و کالبدی، عملکردی و مدیریتی است که عدم توجه بر آن‌ها موجب احداث شهرک‌های مسکونی، برج‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی شده است که مسائل و مشکلات عدیده‌ای همچون سلب آسایش و آرامش را برای خانواده‌ها ایجاد می‌نماید. قاعده فقهی نفی سیل که از مهم‌ترین و مشهورترین قواعد فقهی دین اسلام به‌شمار می‌آید، مانند تمام قواعد فقهی دیگر در جهت سعادت مسلمانان است. در آیات متعدد قرآن کریم در نفی سلطه کافران بر مسلمانان تاکید شده است. از این رو هدف این مقاله تبیین جایگاه خانواده در احکام فقهی معماری و شهرسازی اسلامی است که با روش تحقیق تحلیل محتوای متن و استدلال منطقی با رویکردی مطالعه بین‌رشته‌ای و با استفاده از شیوه‌های کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهر و محله و خانه اسلامی محل تجلی و کاربرست قواعد فقهی و از جمله قاعده نفی سیل است، به‌طوری‌که مطابق قاعده نفی سیل، در محله اسلامی باید زمینه عمل به احکام الهی از جمله مرکزیت مسجد فراهم شود و الگوی خانه مبتنی بر خانواده حیاط‌دار و کم‌تراکم و ایمن و امن است تا سبک زندگی اسلامی با پشتیبانی معماری و شهرسازی اسلامی محقق شود.



واژگان کلیدی: خانواده، سبک زندگی اسلامی، شهر اسلامی، فقه معماری و شهرسازی، قاعده نفی سیل.

*دانشیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران | A.molaei@tabriziau.ac.ir

مولائی، اصغر. (۱۴۰۴). تبیین احکام فقهی معماری و شهرسازی اسلامی خانواده‌مبنا با تاکید بر قاعده نفی سیل به عنوان

یک قاعده آمره، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه. ۳(۱)، ۳۴-۱۰۹. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.11759.1090>

(۱) مقدمه

رشد و گسترش شهرها و تبدیل آن به شهرهای پرجمعیت و چندمیلیونی عاملی شد تا بسیاری از مسائل و مشکلات شهری از قبیل مسکن، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، جرائم شهری، خشونت و ناآرامی شهری، اعتیاد، مهاجرت و ... به صورت حاد پدیدار شوند (محسنی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). شهرنشینی در دوران اخیر به سرعت در حال افزایش است. انقلاب صنعتی و روابط صنعتی منجر به رشد و توسعه شهری توأم با مسائل متعددی شده‌اند. این مسائل و مشکلات، با ساختار و کارکرد نابسامان شهری ملازمه دارد. هرچند شهر همیشه دارای کارکرد مثبت نیست، شهرهایی که رشد نامتوازن و ساختار ناسالم دارند، کژکارکردهایی را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، کالبدی و سیاسی تجربه می‌کنند؛ در چنین شرایطی، شهر حالت بیمارگونه به خود می‌گیرد (محسنی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). چنانچه برخی از مسائل شهری در حال حاضر از مشکل به معضل و از معضل به بحران تبدیل شده‌اند. معضلات اجتماعی، ترافیکی، زیست‌محیطی و کالبدی شهرها، رفته‌رفته حیات شهری را با اختلال مواجه کرده و مسائل دیگری را در ابعاد سلامت جسمی و روحی شهروندان، آسیب‌های اجتماعی و آسیب‌پذیری بیش از پیش شهر را رقم زده‌اند.

مسائل شهری از منظر زندگی خانواده‌مبنا را می‌توان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی، کارکردی و مدیریتی دسته‌بندی نمود. مسائل اجتماعی شامل آسیب‌هایی از قبیل اعتیاد، سرقت، ناامنی؛ مسائل فرهنگی شامل الگوپردازی از فرهنگ بیگانه، مصرف‌گرایی، و کم‌توجهی به سنت‌ها و آیین‌های بومی در سبک زندگی شهروندان؛ مسائل زیست‌محیطی شامل آلودگی‌های آب و هوا و صدا و مصرف بیش از حد انرژی؛ مسائل کالبدی شامل آشفته‌گی ساختمان‌ها از لحاظ تراکم، ارتفاع، حریم، سطح اشغال، فضاهای عمومی، مبلمان شهری؛ مسائل کارکردی شامل توزیع ناعادلانه خدمات شهری، ضعف زیرساخت‌های شهری و مسائل مدیریتی شامل کم‌توجهی به تخصص‌های دخیل در مدیریت شهری، عدم آشنایی به احکام اسلامی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. در شهرهای

اسلامی-ایرانی، استفاده از احکام اسلامی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهرها امری ضروری و بدیهی است.

از جمله مهم‌ترین اصول، جلوگیری و نفی تسلط کفار بر مؤمنان و جامعه آن‌هاست که در همه منابع اسلامی اعم از قرآن، سنت، عقل و اجماع به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن اشاره شده است. اما به نوعی مهم‌ترین و مشهورترین آن‌ها آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان راه تسلطی قرار نداده است) (نساء: ۱۴۱) که به طور قطع تسلط کفار بر مؤمنان را نفی می‌کند (همایون و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۷۲).

اگر این قاعده عملی شود، عزت مسلمین حفظ و موجبات پیشرفت و توسعه جوامع اسلامی فراهم می‌گردد. دوم این که ارتباط با کفار و سلطه‌پذیری آن‌ها، سبب وابستگی علمی و فناوری به کشورهای توسعه‌یافته کفر می‌گردد که در نهایت، عقب‌ماندگی، تحجر و تهاجم فرهنگی را به ارمغان می‌آورد. این قاعده دو اصل اساسی را در جوامع اسلامی پیاده می‌کند: اول اتحاد که در میان خود مسلمانان شکل می‌گیرد و از عوامل موثر و مستقیم بر توسعه پایدار می‌باشد. دوم استقلال که این اصل در روابط بین‌الملل مسلمین، کاربرد دارد. این دو مولفه از عناصر بنیادین توسعه محسوب می‌شوند که دستیابی کشورهای اسلامی به توسعه در عصر حاضر، بدون این دو ممکن نیست (رایگان و قاسمیان، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹). این آیه به طور کلی بر ممنوعیت سلطه کفار و بیگانگان بر مسلمانان در تمام ابعاد زندگی دلالت دارد و می‌توان آن را در حوزه‌های توسعه کشور از جمله امر معماری و شهرسازی تعمیم داد.

از این رو راهکارها و دستورالعمل‌های مستخرج از این مبانی در بین اعضای جامعه پذیرش و مقبولیت بالاتری در عمل می‌تواند داشته باشد. قاعده نفی سبیل از جمله قواعد فقه اسلامی است و این قانون به دنبال بستن راه نفوذ و سلطه بیگانگان در زندگی مسلمانان است. بر اساس این قانون مسلمانان نباید اجازه نفوذ اجانب و کافران را در ابعاد مختلف زندگی خویش باز کنند. در این راستا سوال پژوهش عبارت است از این که: جایگاه احکام اسلامی در معماری و شهرسازی خانواده‌مبنا چیست؟ به همین منظور ابتدا مبانی فقه تمدنی و خانواده مطالعه شده

آیات و احادیث مربوط به قاعده نفی سبیل مطالعه شده و سپس نظریات علمای اسلام و صاحب‌نظران خارجی و ایرانی ابعاد سلطه و نفوذ کافران تحلیل می‌شود. در ادامه با متمرکز نمودن موضوع مذکور در شهرسازی و مصادیق و انواع آن در فضاهای شهری و مصادیق آن‌ها تعیین می‌شود.

پژوهش‌های انجام شده را می‌توان به چند بخش در نظر گرفت:

الف) پژوهش‌های محققان غیرایرانی در خصوص شهرهای اسلامی که عمدتاً نگاه تاریخی و سنتی داشته و با بررسی الگوی حاکم بر وضع موجود شهرسازی و معماری شهرهای مسلمانان به ارائه مبانی و قوانین حاکم بر آن پرداخته‌اند که می‌توان گفت این قوانین (از قبیل رعایت حریم انسان‌ها در بناها و فضاهای خصوصی و عمومی) تا حدودی انطباق نسبی با احکام اسلامی دارند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛ مقدمه‌ای بر شهرهای بزرگ عربی اسلامی (ریمون، ۱۳۷۰)؛ شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی (حکیم، ۱۳۸۱)؛ مدینه اسلامی (عثمان، ۱۳۸۱)؛ شهرنشینی در خاورمیانه (کاستلو، ۱۳۸۶).

ب) تحقیقاتی که معماری و شهرسازی را با رویکرد تاریخی بررسی نموده و آثار و بناهای تاریخی و سنتی را به عنوان مصادیق معماری و شهرسازی اسلامی بیان می‌نمایند. برخی از این آثار مانند خانه‌ها، بازارها، حمام‌ها و مساجد تاریخی دارای انطباق نسبی با احکام اسلامی را دارند. به عنوان مثال خانه‌های تاریخی با الگوی درون‌گرا و رعایت حرایم و سلسله‌مراتب فضایی و عملکردی، اهداف و معیارهای اسلامی را در خود مستتر دارند.

ج) تحقیقات مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و به ارائه مبانی نظری جامع معماری و شهرسازی از منظر اسلام پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان به آثار زیر اشاره نمود؛ درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی (نقره‌کار، ۱۳۸۷)؛ معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (منان رئیسی، ۱۳۹۷)؛ پژوهش‌های محمد نقی‌زاده در خصوص شهر اسلامی از جمله صفات شهر اسلامی در متون اسلامی (نقی‌زاده، ۱۳۸۰)؛

د) تحقیقاتی که بر فقه و قواعد فقهی معماری و شهرسازی اسلامی تأکید دارند؛ از جمله می‌توان بر پژوهش‌های زیر اشاره نمود: قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و

شهرسازی اسلامی (سیفیان، ۱۳۷۷)؛ مجموعه کتاب‌های فقه مدیریت شهری (دری و همکاران، ۱۳۹۷)؛ تبیین جایگاه قاعده فقهی لاجرج در شهرسازی اسلامی (مولائی، ۱۴۰۱ق)؛ بازشناسی جایگاه قاعده فقهی اهم و مهم در برنامه‌ها و طرح‌های شهری (مولائی، ۱۴۰۲ق).

ن) اسناد و تحقیقاتی که به‌طور مشخص بر موضوع معماری و شهرسازی خانواده‌مبنا از منظر مبانی اسلامی تمرکز دارند؛ شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهرسازی خانواده‌مبنا در محله‌های اسلامی-ایرانی (محمدزاده و همکاران، ۱۴۰۲). این پژوهش‌ها با استخراج شاخص‌های معطوف به احکام و اخلاق اسلامی، شهر خانواده‌محور و راهکارهای مربوطه را تبیین نموده‌اند. از جمله می‌توان به لایحه "شهر خانواده‌محور" (شهرداری تهران، ۱۴۰۳) اشاره نمود که در آن به تشکیل مرکز زنان و خانواده، رویدادهای خانواده‌محور در محله‌ها و حل آسیب‌های اجتماعی مربوط به زنان تاکید دارند.

و) اسناد و تحقیقاتی که بر موضوع معماری و شهرسازی خانواده‌مبنا با نگرش کارکردی و جامعه‌شناختی تاکید دارند؛ این پژوهش‌ها بر شاخص‌هایی مانند ایمنی و امنیت اشاره دارند. از جمله می‌توان به توجه به طراحی مکان‌هایی جذاب برای خانواده‌ها و حضور تمامی اقشار سنی و جنسی و طراحی فضاهای جذاب برای بازی کودکان از نتایج این تحقیقات و پروژه‌هاست. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به "ویژگی‌های کلیدی شهرهای دوستدار خانواده (Patkaibende, 2023)" اشاره نمود. این تحقیق بر توجه به همه نیازهای محیطی، اجتماعی، اقتصادی خانواده‌ها تاکید کرده و بر نقش همکاری شهرداری‌ها، شرکت‌های محلی، جامعه مدنی و نیز اهمیت مشارکت خانواده‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه شهری تاکید می‌کند.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه مستقیم و جامعی در خصوص قاعده نفی سیل و خانواده در شهرسازی انجام نشده است. فرضیه تحقیق چنین است شهرسازی مسلمانان باید با توجه به خانواده و احکام اسلامی در معماری و شهرسازی اسلامی برنامه‌ریزی و طراحی شود، در این راستا بر اساس الگوی قاعده نفی سیل، الگوی معماری و شهرسازی باید واجد احکام اسلامی و الگوی بومی باشد به‌طوری‌که این عمل بر مبنای احکام و اخلاق اسلامی، راه‌های سلطه و نفوذ بیگانگان را مسدود نماید.

۲) مبانی و چارچوب نظری پژوهش

۲-۱) شهر اسلامی؛ معماری و شهرسازی اسلامی

شهر اسلامی را می‌توان بر اساس مبانی اعتقادی، احکام مربوطه و اخلاق اسلامی آن تعریف و توصیف نمود. از آنجایی که اکثریت شهرهای ایرانی دارای مذهب شیعی بوده و این مذهب نیز بر پایه اصول و فروع دین مستحکم است، بنابراین مبنای نظری شهر ایرانی-اسلامی همان اصول و فروع دین و اخلاق اسلامی فرض می‌شود. اصول دین که دارای پنج اصل (توحید، نبوت، معاد، امامت و عدل) هست و نیز فروع دین شامل ده اصل (نماز، روزه، حج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، توکی و تبری) است. همچنین در آموزه‌های اسلامی به اخلاق اسلامی از قبیل تقوا، صداقت، تواضع، احترام، کرامت انسانی، انصاف، جوانمردی و گذشت توصیه‌های مکرری شده است.

پورجعفر و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهر آرمانی اسلامی" پس از دسته‌بندی موافقان و مخالفان شهر اسلامی، آن را در چهار دسته شامل شهر مسلمانان، شهر امت اسلامی، شهر اسلامی، شهر آرمانی اسلامی تعریف و شاخص‌سازی نموده‌اند. نقی‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهش‌های متعددی سعی در تبیین شهر اسلامی از دیدگاه قرآن به تبیین صفات و ویژگی‌های قرآنی شهر اسلامی را از قبیل تقوا، عدالت، ایمان و ... پرداخته است.

معماری و شهرسازی اسلامی دارای تعاریف متعدد و مختلفی است که عبارتند از: الف) معماری و شهرسازی دوره‌های حکومت‌های بعد از ورود اسلام به ایران مانند دوره‌های سلجوقی، صفوی، تیموری، زندیه و قاجاری که آثار معماری و شهرسازی متعددی از آن‌ها برجای مانده است. ب) معماری و شهرسازی شهرهای مسلمانان که شامل وضعیت موجود با تمامی مزایا و معایب موجود می‌شود. ج) معماری و شهرسازی مبتنی بر ارکان دین اسلام (اعتقادات، احکام و اخلاق) (نقره‌کار، ۱۳۸۷؛ پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۳؛ مولائی، ۱۴۰۲ق). اگرچه تمامی این تعاریف، وجود مشترکی دارند، اما تعریف سوم همان تعریف دقیق و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است که نیازمند تبیین جنبه‌های اعتقادی، احکام و اخلاق و شاخص‌های آن در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی معماری و شهری است.

۲-۲) الگوی معماری و شهرسازی

از نظر محمد کریم پیرنیا از اندیشمندان معاصر معماری ایران، اصول حاکم بر معماری ایرانی عبارتند از: مردم‌واری، درون‌گرایی، خودبسندگی، پرهیز از بیهودگی، نیازش، پیمون (پیرنیا، ۱۳۹۴؛ قیومی بیدهندی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱).

الگوی معماری و شهرسازی در دوره‌های گذشته مبتنی بر سنت‌های اسلامی و ایرانی به‌ویژه خانواده‌محوری، تکریم و استفاده بهینه از طبیعت، سنت استادشاگردی در آموزش و تربیت معماران بوده است، این سنت‌ها که سبک زندگی اسلامی و ایرانی انطباق نسبی داشته است، بر شاخص‌هایی همچون درون‌گرایی، رعایت حریم بصری، شنیداری و عملکردی استوار بوده است. الگوی معماری و شهرسازی باید تمامی شاخص‌های سبک زندگی اسلامی و خانواده‌محور را دربرگیرد. نیازهای خانواده و مابازای آن در طراحی معماری و طراحی شهری شامل مصادیق مشخصی است. رعایت حریم خانواده در فضاهای داخلی اعم از آشپزخانه، اتاق خواب، سرویس بهداشتی، حمام و فضاهای نیمه‌باز مانند حیاط در گذشته با الگوی درون‌گرا و سلسله‌مراتبی و با استفاده از اندرونی و بیرونی تامین می‌شد.

درون‌گرایی دو وجه غالب دارد: اول، وجود حریم است. نوع حریم به عوامل زیادی بستگی دارد که از جمله آن‌ها مردم‌واری، اقلیم و کاربری بنا را می‌توان نام برد. دوم گرایش به درون است. عامل گرایش معمولاً داخل حریم بنا می‌باشد. درون‌گرایی در اصل در خلق و خوی مردم ایران ریشه دارد (نادری و همکاران، ۱۳۹۱، صص ۵۹-۶۰).

امری که در دوره معاصر با بروز سبک‌ها و مکاتب مختلف معماری و شهرسازی تضعیف شده است، از جمله این مکاتب و سبک‌ها می‌توان به سبک‌های معماری و شهرسازی مدرن، پست‌مدرن، ساختارشکنانه، فولدینگ، کوبیسم، بروتالیسم، سبک بین‌الملل، رمانتیسیسم، بیونیک و دوستدار طبیعت اشاره نمود. معماری مدرن بر تکنولوژی، عملکردگرایی و جهان‌شمولی (دوری از بوم و تاریخ‌گرایی) تاکید دارد، شهرسازی مدرن نیز دارای الگوهایی همچون شهر درخشان، شهر شعاعی، شهر خطی، شهر پهن‌دستی، شهر صنعتی، شهرهای جدید است. معماری و شهرسازی مدرن اغلب با بی‌توجهی به بافت‌ها و بناهای تاریخی و بی‌توجهی به زمینه‌های بومی و نگرش موزه‌ای به برخی تک‌بناهای تاریخی، بر عملکردهای چهارگانه

(سکونت، کار، حمل‌ونقل و تفریح) و نسخه یکسان برنامه‌ریزی و طراحی برای همه‌جا تأکید دارند؛ امری که امروزه در آموزه‌های متأخر مورد نقد و آسیب‌شناسی قرار گرفته و رویکردهایی همچون بازآفرینی شهری، نوشهرگرایی و رشد هوشمند شهری به زمینه‌های بومی توجه می‌نماید. البته باید توجه نمود که در کنار آسیب‌ها و نقدهای مربوط به معماری و شهرسازی مدرن، نگرش مذکور دارای مزایایی (مانند توجه به استحکام بنا) هم بوده است که در کنار آسیب‌ها و با توجه به زمان خود، می‌تواند در نظر گرفته شود.

مدرن به معنای عام آن یعنی نو بودن و چه‌بسا که بسیاری از بودن‌های عالم بیرونی مسبوق به نو شدن در جهان اندیشه است. بسیاری باور دارند که «مدرنیته»، یعنی روزگار پیروزیِ خرد انسانی بر باورها (باورهای اسطوره‌ای، دینی، اخلاقی، فلسفی و...)، رشد اندیشه «علمی» و «خردباوری» (راسیونالیته) و افزون شدن اعتبار دیدگاه فلسفه «نقادانه» ... (دامیار و ناری قمی، ۱۳۹۱، ص ۶۶).

معماری مدرن بر پایه اصولی مانند فردگرایی، اومانیسم و سکولاریسم استوار است که با اصول و مبانی اسلامی در تضاد هستند. این اصول در معماری مدرن، منجر به طراحی بناها و فضاهای شهری بدون توجه به نیازهای خانواده، ترویج سبک زندگی غربی، و عدم توجه به حریم خصوصی و شئون اسلامی می‌شود. به عنوان مثال، در معماری مدرن، خانه‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بیشتر به نیازهای فردی توجه می‌شود و نیازهای خانواده، مانند فضای کافی برای بازی کودکان یا تعاملات اجتماعی، نادیده گرفته می‌شود. همچنین، در معماری مدرن، به حریم خصوصی و شئون اسلامی توجه کافی نمی‌شود و بناها و فضاهای شهری به گونه‌ای طراحی می‌شوند که موجب اشرافیت به خانه‌های همسایه یا تضييع حقوق دیگران می‌شوند. حکم شرعی تعارض قاعده نفی سیل با معماری مدرن، حرمت است. به عبارت دیگر، هرگونه تقلید کورکورانه از الگوهای معماری مدرن که منجر به تسلط فکری و فرهنگی کفار بر مسلمانان شود، حرام است. این حکم ریشه در آیات قرآن و روایات معصومین دارد که بر لزوم حفظ استقلال و هویت اسلامی در برابر تسلط کفار تأکید دارند.

هستی‌شناسی مکتب مدرن مبتنی بر رویکرد سکولاریستی و اومانیستی که از دوران رنسانس آغاز شد، همواره بر عالم ماده تمرکز می‌کند و مراتب طولی و سامانه‌ای را نمی‌پذیرد که البته جریان ترانسفورمیسیم یا داروینیستی این نوع نگاه به هستی را تشدید می‌کند. هستی‌شناسی مبتنی بر اصالت ماده همواره در معماری مدرن و به تبع آن در خانه‌های مدرن تأثیر می‌گذارد و آن‌چه تنها از فضای یک خانه انتظار می‌رود، تأمین نیازهای مادی و آسایشی انسان است. اثبات همین موضوع را می‌توان در شعار معروف لوکوربوزیه از تعریف یک خانه ملاحظه کرد که بیان می‌کند: «خانه ماشینی است برای زندگی» (اشرافی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۲).

اگرچه هر کدام از این سبک‌ها بر جنبه‌هایی از مؤلفه‌های معماری به‌ویژه فناوری، تزئینات و عملکرد تأکید دارند، اما افراط و تفریط در توجه یا عدم توجه بر یک موضوع می‌تواند موجب انحراف آن از الگوی معماری و شهرسازی اسلامی شود. اما از لحاظ الگوی معماری و شهرسازی اسلامی عدم توجه بر ملاحظات فرهنگی، بی‌توجهی به معنا و هویت مکان، عدم توجه بر حق‌الله، حق‌الناس، حق‌النفس و حقوق محیط‌زیست هم در اغلب موارد قابل نقد و بازشناسی است.

از منظر سبک زندگی خانواده مسلمان، توجه بر الزامات شرعی در طراحی فضاهای شهری، معماری فضاهای مسکونی، تفریحی، ورزشی، فرهنگی و تجاری ضروری است؛ چراکه بی‌توجهی به نیازها و احکام خانواده در شهر اسلامی، موجب تضعیف سبک زندگی اسلامی، حذف تربیت اسلامی، از بین رفتن معنویت در شهر و محلات می‌شود.

۲-۲-۱) فقه تمدنی

فقه (اجتهاد) تمدنی یک تلاش معرفتی حجت‌دار است (تحصیل الحجة علی الاحکام الشرعیة) که برای کشف نظر خداوند است، در مورد روابط و فرآیندها (تعاملات و تفاعلات) در ساختارها و سازمان‌ها (فی الهیاکل و المنظمات) به‌هدف دستیابی به عدالت و رشد (العدل و التحسینات) در مقیاس کلان. هویت فقه موجود، استنباط حکم برای فعل مکلف است چه فردی چه جمعی. اما هویت فقه تمدنی؛ استنباط حکم برای فعل فرآیندهاست (متعلق حکم در فقه تمدنی، ساختارها و فرآیندها هستند) مثلاً: فرآیند مطلوب عندالشارع در مورد تأمین

اجتماعی چیست؟ ساختار و فرآیند سیستم آموزشی طبق نگرش اسلام چیست؟ پروتکل بهداشتی اسلام چیست؟ مدل حمل‌ونقل بهینه در اسلام چگونه است؟ ابعاد فقه تمدنی عبارتند از: عبادی، سیاسی، پزشکی، اقتصادی، حمل‌ونقل، ساخت‌وساز، آموزش و خانواده.

قاعده فقهی؛ قاعده‌ای است که اجرای آن میان مجتهد و مقلد مشترک است برخلاف قاعده اصولی که مختص به مجتهد است. برخی قواعد فقهی مهم عبارت‌اند از؛ قاعده لاضرر، قاعده تسلیط، قاعده نفی سبیل، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده ضمان، قاعده اهم و مهم، قاعده مصلحت، قاعده حلیت، قاعده تسیب، قاعده احسان، قاعده حد کفاف، قاعده غرر یا غرور، قاعده اقتصاد، قاعده شروط مومنین، قاعده تلازم، قاعده القرب فالاقرب، قاعده اشتراک، قاعده عدل و انصاف و قاعده المیسور.

قواعد فقهی متعددی در حوزه شهرسازی موضوعیت داشته و قابل تبیین هستند که در این پژوهش چهار قاعده مهم (لاضرر، لاجرح، اهم و مهم و نفی سبیل) به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. برخی قواعد فقهی دیگر نیز بر حسب موضوع و مسائل پیش روی مدیریت شهری یا تصمیم‌گیرندگان نیز مطرح می‌شوند که عبارت‌اند از: قاعده تسلیط، قاعده حد کفاف، قاعده تسیب، قاعده ضمان، قاعده حلیت و غیره.

۲-۳) خانواده

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان، نمونه کاملی از تعالیم و آموزش‌های لازم جهت زندگی انسان‌ها به‌شمار می‌رود. در خصوص اهمیت خانواده به‌عنوان نمونه، خداوند چنین می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و باز یکی از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامشی یافته و با هم انسی گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار نمود و در این امر نیز برای مردم صاحب فکر، دلایل علم و حکمت حق آشکار است (روم: ۲۱).

تشکیل خانواده ناشی از یک قانون عامّ عالم وجود است، قانون عامّ آفرینش است؛ آن قانون عبارت است از قانون زوجیت: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»؛ خدای متعال در همه چیز - خَلَقَ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا - در همه چیز زوجیت قرار داده؛

در انسان زوجیت هست، در حیوانات زوجیت هست، در گیاهان زوجیت هست؛ و ممّا لا یَعْلَمون؛ یک چیزهایی هم هست که زوجیت هست (خامنه‌ای، ۱۴۰۱).
«اولین مکانی که برای هر انسانی تعریف می‌شود و بدان تعلق دارد، خانواده است. او خانواده را مهم‌ترین نهاد اجتماعی می‌داند که با پیوند مقدس ازدواج آغاز می‌شود و با تولد فرزندان کامل می‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵؛ بروجردی علوی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۳).

در متون اسلامی بر لزوم رعایت کرامت انسانی بسیار تاکید شده است. در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده که عبارت است از: کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها، مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و دیگران، آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند؛ کرامت ارزشی که از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹). توجه به کرامت و تفسیر آن در عرصه شهرسازی فارغ از نگاه دینی به آن نیز در جای‌جای جهان مورد توجه است، اما دین و به‌طور خاص اخلاق اسلامی در این میان می‌تواند نقش تکمیل‌کننده و تایید‌کننده داشته باشد. یعنی از یک طرف فهم و تفسیر مفهوم کرامت را تکمیل کند و آن را متناسب با فرهنگ مسلمانان تفسیر نماید و از طرف دیگر می‌تواند ریشه‌های فکری مفهومی که در ادبیات شهرسازی وجود دارد را استوارتر نماید و پایه‌های الهی و دینی آن را نمایان سازد و بر اهمیت مسئله تاکید نماید (کشاورزی و خاتمی، ۱۴۰۱، ص ۴۰). شهر و بناها و فضاهای شهری باید زمینه‌ساز کرامت انسانی و خانواده باشند. این امر در رعایت حقوق اقشار سنی و جنسی مختلف و نیز گروه‌های آسیب‌پذیر در خدمات و عملکردهای شهری ضروری است. شلوغی و ازدحام بیش از حد سواره در فضاهای شهری، مانع از حضور و استفاده مفید و موثر خانواده‌ها می‌شود. همچنین بناها و فضاهای شهری بزرگ‌مقیاس مانند برج‌ها و مسافت‌های طولانی مانع از مراجعه آسان و حضور و کارایی و آرامش خانواده‌ها می‌شود. همچنین بر مبنای کرامت انسانی ضروری است

که ساخت‌وسازها به گونه‌ای باشد که حرمت و شأن انسان رعایت شده و از استفاده‌های تجاری و تبلیغاتی از انسان پرهیز شود. رعایت مقیاس انسانی در بناها و محله از دیگر الزامات محله و خانه خانواده‌مبنا است.

عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند، از جمله: حسن معاشرت در خانواده که در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود، نظم و انضباط که اسلام در هیچ یک از حوزه‌های جامعه خود به هرج و مرج معتقد نیست، بلکه همواره خواستار نظم و انضباط در همه ابعاد فردی یا همگانی است. توجه به یکسانی در آفرینش، همکاری و همدردی، اندیشه تساوی میان مرد و زن، همکاری و همدردی با خانواده باید در چارچوب آیین خدا باقی بماند و وسیله فساد، رشوه و غصب حقوق و اشاعه فحشاء نگردد (حسن‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۷). در سبک زندگی اسلامی بر مبنای روایات شیعیان، زمان شبانه‌روز به سه بخش تقسیم می‌شود: کار برای تأمین هزینه‌های زندگی، انجام تکالیف الهی و عبادی، استفاده از لذت‌های حلال زندگی (کلینی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸).

از منظر فقه تمدنی، برخی از قواعد فقه معماری و شهرسازی جایگاه مهمی در خانواده دارد که می‌توان آن را تبیین نمود. از جمله قواعد فقهی تسلیط، لاضرر، لاجرح، ضمان، نفی سبیل، اهم و مهم و حد کفاف و شروط مومنین را می‌توان نام برد که مصادیق متداول و مهمی در جنبه‌های حقوقی، برنامه‌ریزی و طراحی معماری و شهری، روابط همسایگی، حمل‌ونقلی و سبک زندگی خانواده‌ها دارد. از جمله این مصادیق می‌توان به الگوی معماری و شهرسازی شهر و محله و خانه و فضاهای شهری است که در برنامه‌ریزی و طراحی آن از منظر فقه خانواده دارای الزاماتی است. بسیاری از بافت‌های مسکونی و شهرک‌ها با الگوی سبک زندگی اسلامی و ایرانی انطباق نداشته و زندگی غیربومی را القا می‌نمایند. همچنین بسیاری از آپارتمان‌ها نیز الگوی غیربومی، نشانه‌ای از الگوی خانه ایرانی نداشته و از لحاظ حریم، آسایش و آرامش، تولید و مصرف، امکان باغداری و کشاورزی در حیاط خانه، فضای میهمان و مهمان‌داری، ارتباطات و تعاملات همسایگی و امکان بازی کودکان و ورزش ندارد.

۲-۴) قاعده نفی سبیل

قاعده «نفی سبیل» از قواعد مهم فقه اسلامی و یکی از مستندات لازم‌الرعايه در حفظ عزّت و سیادت مسلمانان و نفی سلطه بیگانگان است که بر اساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. هرگونه رابطه و اعمالی که منجر به تفوّق کافران بر مسلمانان باشد، انجام آن بر مسلمانان، حرام است. با قاطعیت می‌توان گفت: قاعده نفی سبیل در روابط خارجی اسلام و مسلمانان به اصطلاح «حق و تو» دارد. اگر یک قرارداد سیاسی و اقتصادی و مقوله نظامی و حتی فرهنگی به عنوان مقدمه و زمینه تسلط کفار بر مسلمانان تلقی شود، قاعده نفی سبیل آن قرارداد و مقوله را باطل می‌سازد (ضیابخش، ۱۳۸۶، صص ۳۹-۵۰).

قاعده نفی سبیل در چند آیه قرآن به صراحت بر بستن راه سلطه کفار و بیگانگان تأکید نموده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. «وَلِلَّهِ الْخِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸) عزّت، از آن خدا و پیامبر (ص) و مؤمنین است، ولی منافقان نمی‌دانند. در این آیه شریفه، به صراحت از عزّت و سربلندی مسلمانان، صحبت شده است و مفهوم آن این است که قرآن، مقررات و روابطی را که موجب ذلّت مسلمانان شود، امضا نخواهد کرد. آیه ۲۸ سوره آل عمران: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران: ۲۸). مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست.

قواعد در اسلام دو بخش می‌شوند: یکی قواعد اولیه است و تا زمانی معتبرند که معارض با قاعده اهم نباشد. دوم، قواعد ثانویه که بر قواعد و مقررات اولیه حاکم است. در موارد خاص، هرگاه منافع و ارزش‌های اساسی اسلام، در معرض خطر قرار گیرد، قواعد ثانویه فقهی که ضامن تأمین ارزش‌های والا و اساسی اسلام است، قواعد اولیه را کنار زده، آن را باطل می‌کند. قاعده نفی سبیل، جزو قواعد ثانویه فقهی است که گاه خود را با «العلو»، «الاستعلاء» و «الاسلام یعلو ولا یُعلی علیه» نمایان می‌کند (فضل زرنندی و امیدی فرد، ۱۴۰۲، ص ۹۹).

قاعده نفی سبیل حاکم بر ادله و احکام اولی شرعی است. مرجع در فهم تعارض ادله، جمع و تنسيق آنها عرف عام است. قاعده نفی سبیل تخصیص‌پذیر است و مرجع در تشخیص مصالح و مصلحت اهم و مهم، شخص مکلف یا نهادی است که متکفل رابطه با کفار است (علیدوست، ۱۳۸۳، ص ۲۵۲).

شهرسازی غربی که از لحاظ زمانی ریشه در تحولات رنسانسی، انقلاب صنعتی و مکتب شهرسازی مدرنیسم دارد، بر پایه اتکا به رویکردهای اومانستی و لیبرالیستی به برنامه‌ریزی و طراحی شهرها و فضاهای شهری و بناها و روابط مابین آنها می‌پردازد. این رویکردها با تعریف دنیوی از انسان و شهر در عمل منجر به تولید شهرهایی مبتنی بر عقلانیت مدرن، تکنولوژی، ثروت‌اندوزی و لذت‌های دنیوی می‌شود که با دین‌زدایی از متن شهر و زندگی مردم، فضاهای شهری و بناهایی فاقد معنویت توحیدی ایجاد نموده است.

اگر کارشناسان و برنامه‌ریزان شهری در کشور اسلامی بر مبنای همان نظریات غیراسلامی و تولیدات فکری کفار دست به طراحی و اجرای نقشه‌های شهری بزنند در حقیقت سلطه نظری و فکری کفار بر مسلمین را رسمیت بخشیده و در بن‌بست و تعارض مدل‌های غربی با سایر مبانی دینی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر هر سیستم فکری و نظری یک سلسله مبانی و پیش‌فرض‌ها و فلسفه‌هایی را پذیرفته است و منطبق بر همان سیستم‌های مختلف از جمله شهرسازی را تعریف و تبیین کرده است. از این رو الگوگیری از مدل‌های شهرسازی غربی منجر به ترویج فرهنگ و ارزش‌های غیراسلامی در جامعه اسلامی می‌شود که به هیچ روی مورد رضایت شارع مقدس نیست. از ممنوعیت و حرمت تسلط کفار بر مسلمین، "و جوب" تبیین و تعیین سیستم و الگو شهرسازی توسط متخصصان اسلامی استفاده می‌شود و به عنوان یک امر واجب همواره باید نخبگان مسلمان به این امر اهتمام داشته باشند (عندلیب، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

قاعده نفی سبیل که به دنبال نفی و نهی هرگونه تسلط کفار بر مؤمنان و جامعه آنهاست، حقیقتی است که از دیدگاه امام خمینی (ره) هم بعد تکوینی و هم بعد تشریعی را شامل می‌شود. بعد تکوینی، دلالت بر نظام طراحی شده از جانب خداوند و بعد تشریعی شامل دستورالعمل‌هایی است که وضعیت مؤمنان و جامعه آنها را با نظام طراحی شده از سوی خداوند منطبق و سازگار

می‌کند؛ اما تحقق حقیقت نظام تکوینی نیازمند اقداماتی است تا ظهور یابد و این اقدامات باید از سوی حکومت و مردم در جامعه اسلامی از طریق بعد تشریعی محقق شود. درحقیقت، به واسطه سیاست‌گذاری فرهنگی صحیح در بعد تشریعی، بعد تکوینی قاعده نفی سبیل در پرتوی نظام تشریعی محقق می‌شود و از طرفی سیاست‌گذاری فرهنگی صحیح در بعد تشریعی از دو جنبه قابل بحث است: سیاست‌گذاری ایجابی و سیاست‌گذاری سلبی (همایون و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۸۶).

خانواده در فقه امامیه نظامی جامع و مانع برای برطرف کردن همه نیازهای انسان و بهترین الگو برای برون‌رفت از چالش‌های پیش روی نظام خانواده است که تفکرات غربی بر آن دامن زده است. این الگو دارای اهدافی چون سکون روح و آرامش واقعی، تداوم نسل تشکیل می‌شود. در حالی که در اندیشه‌های غربی بنیان خانواده بر لذت و اقناع غرایز و بر مبنای اصالت اراده انسان بنیان نهاده شده است (اسماعیل تبار، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

شهر و محله خانواده‌مبنا باید دارای الگو و شاخص‌هایی باشد که به تحقق سبک زندگی اسلامی کمک می‌نماید. از جمله این شاخص‌ها، امکان زندگی، عبادت، خرید و مصرف، تفریح و رفت‌وآمد در شهر و فضاهای شهری است که باید علاوه بر سهولت انجام احکام اسلامی، الگوی ایرانی-اسلامی را ترویج نماید. همچنین الگوی خانه نیز باید دارای شاخص‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی باشد تا همه نیازهای تمامی اعضای خانواده در زندگی روزمره از تولید و مصرف، استراحت و معاشرت‌های خانوادگی و همسایگی و ورزش و بازی کودکان، ارتباط با زمین و آسمان تامین شود.

۳) قاعده حرمت الگوی بیگانه در معماری و شهرسازی اسلامی

مصادیق قاعده نفی سبیل در معماری و شهرسازی شامل جلوگیری از تقلید کورکورانه از الگوهای غربی، ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی، و توجه به نیازهای خانواده در طراحی فضاهای شهری می‌شود. به عنوان مثال، طراحی خانه‌ها و محله‌ها باید به گونه‌ای باشد که با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-ایرانی همخوانی داشته باشد و از تقلید کورکورانه از الگوهای غربی که مبتنی بر فردگرایی و مادی‌گرایی هستند، پرهیز شود. همچنین، در طراحی فضاهای

عمومی باید به نیازهای خانواده توجه شود و فضاهایی برای تفریح، ورزش، و تعاملات اجتماعی خانواده‌ها در نظر گرفته شود. قاعده نفی سبیل یک قاعده آمره است، به این معنا که نمی‌توان با توافق طرفین یا عرف، آن را نادیده گرفت. این قاعده باید در تمام مراحل برنامه‌ریزی و طراحی شهری مورد توجه قرار گیرد تا از انحراف از اصول و اهداف شهر اسلامی جلوگیری شود. به عنوان مثال، در طراحی ساختمان‌ها باید به حریم خصوصی و شئون اسلامی توجه شود و از ساخت بناهایی که موجب اشرافیت به خانه‌های همسایه یا تضييع حقوق دیگران می‌شوند جلوگیری شود.

براساس دستورات دینی و تشریع اسلامی، حفظ استقلال و عزت آحاد مسلمانان و نفی هر گونه سلطه از سوی غیرمسلمانان بر ایشان در ابعاد مختلف زندگی، ضروری است. این مسئله که یک اصل مسلم و بسیار مهم فقهی است قاعده نفی سبیل نام دارد. قاعده کلی بر این است که «اسلام پذیرش هرگونه مفهوم ایدئولوژیکی یا رفتار غیراسلامی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم اعتقادات اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد؛ ممنوع نموده است» (مرتضی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰). از جمله مصادیق این اصل در طراحی نما، به نفی هرگونه مفهوم ایدئولوژیکی غیراسلامی و همچنین نفی هر گونه عناصر و اجزاء معماری بیگانگان می‌توان اشاره نمود (حیاتی و مولائی، ۱۴۰۲، ص ۲۸).

در شهرسازی اسلامی، الگوهای برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهری بایستی به گونه‌ای باشند که امکان تحقق اصول، احکام و اخلاق الهی و اسلامی را فراهم نمایند. الگوهای شهرسازی که بر سبک زندگی فردی و اجتماعی تأثیر گذارند، در جنبه‌های مختلف شهری و مقیاس‌های شهر، محله و فضاهای شهری و بناهای عمومی قابل تحقق هستند. از جمله الگوی طراحی شهر و محله با مرکزیت مساجد است. همچنین شهر و فضاهای شهری و عملکردهای آن باید چنان باشد که ضمن رعایت کرامت انسانی، زمینه‌ساز کمال و تعالی انسان باشد. این اصول و احکام و اخلاق اسلامی عبارت‌اند از:

۳-۱) مرکز محله و مرکز شهر

مراکز شهر و مراکز محله‌ها باید با مرکزیت مسجد شهر و مسجد محله، با عملکردها و فضاهای

مورد نیاز به طور منظم و توأم با آسایش و آرامش برای خانواده‌ها برنامه‌ریزی، طراحی و احداث شوند. سلطه بانک‌ها و پاساژها و برج‌ها بر این مراکز و شلوغی و آشفتگی عملکردی در وضعیت فعلی مراکز شهر و محلات، نه تنها الگوی بومی و مطلوب نبوده، بلکه مطلوب خانواده‌ها نیز نخواهد بود. خانواده شامل پدر و مادر و فرزندان است که ممکن است از سنین والدین در سن سالمندی و فرزندان در سن کودکی باشند که در این حالت، آسیب‌پذیری جسمی و روحی بیشتر خواهد بود. در هر حال، ایمنی و امنیت خانواده، تامین نیازهای جسمی و روحی آنان شامل استراحت، بازی، آسایش و آرامش از شاخص‌های اولیه است.

از طرفی دیگر الگوی معماری، عملکردی و فرهنگی و اجتماعی بناها و فضاهای این مراکز در دوره معاصر، مصرف‌گرایی، خرید بیشتر، تظاهر و جلوه‌گری در خرید و مصرف و پرتی‌های را تشویق نموده و ترویج می‌نماید. بانک‌ها که سلطه سرمایه و پول را بر فضای شهری در تملک بناهای بزرگ و مرتفع با نماهای شیشه‌ای و آلومینیومی، سبک زندگی سرمایه‌داری و ثروت‌اندوزی را رواج می‌دهند. مراکز خرید و پاساژها با ویت‌ترین‌ها و تبلیغات مفرط، پرتی‌های و خرید و مصرف مکرر و به طور کلی سبک زندگی غیربومی را ترویج می‌نمایند. فضاهای شهری مراکز شهری هم با ازدحام و شلوغی سواره و پیاده، مصرف غذا در دید عموم، کافه‌ها و رستوران‌های لوکس، زندگی لوکس و مرفه و نمایشی را عرضه می‌نمایند.

به طور کلی، حضور در فضاهای شهری دارای آدابی برگرفته از احکام و اخلاق اسلامی بوده و الگوی عملکردی و معماری فضا نیز معطوف به همین احکام و اخلاق باشد. از جمله این آداب، حضور هدفمند و نفی پرتی‌های، نهی از ضرر برای دیگران، نفی مشقت و سختی برای مردم، نفی ارتفاع بلند و عملکردهای نمایشی است و الگوی درون‌گرا، حضور متعادل طبیعت و رویدادپذیری و تزیینات اسلامی-ایرانی از بایسته‌های الگوی اسلامی است.

۳-۲) خانه و مسکن

خداوند در سوره یونس آیه ۸۷ قرآن کریم می‌فرماید «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» (یونس: ۸۷) «خانه‌هایتان را روبه‌روی هم قرار دهید». در حالی که در مسکن‌سازی معاصر خانه‌ها اغلب بر روی هم قرار می‌گیرند و نه روبه‌روی هم. الگوی اسلامی-ایرانی مسکن، خانه‌های یک یا دو

طبقه است که در دوره‌های قبل از معاصر احداث می‌شده‌اند. مسکن‌سازی معاصر که با الگوی آپارتمانی یا برج‌سازی و تراکم بالای ساختمانی است، دارای مسائل متعدد عملکردی، اجتماعی و فرهنگی است. در خانه‌های آپارتمانی، آپارتمان‌ها اغلب از بالا و پایین و نیز طرفین به‌جز نمای شمالی یا جنوبی به سایر آپارتمان‌ها متصل است، حریم، آسایش و آرامش خانواده‌ها نقض می‌شود و اغلب نیازهای خانواده در آپارتمان تأمین نشده و ناچار به مراجعه با سایر مراکز تفریح و ورزش می‌شوند. در آپارتمان‌ها، نبود فضای مناسب مهمان‌منجر به کاهش تعاملات خویشاوندی می‌شود در حالی که در خانه‌های یکی دو طبقه اتاق مهمان جز اساسی خانه محسوب می‌شد.

اشرافیت آپارتمان‌ها به یکدیگر و دید به فضاهای داخلی و نقض حریم یکدیگر منجر به بروز مسائل روحی و فرهنگی بسیار شده و منجر به پوشاندن کل بازشوها با پرده می‌شوند. سایه‌اندازی خانه‌ها بر روی یکدیگر به واسطه ارتفاع و تراکم بالای آن‌ها نیز منجر به محرومیت برخی واحدها از نور آفتاب می‌شود. سایه‌اندازی از دعوای رایج در تخلقات ساختمانی بوده و سازنده اقدام به تضییع حقوق همسایه با یا بدون رضایت وی اقدام می‌نماید. مسئله پارکینگ نیز یکی از مسائل رایج آپارتمان‌هاست که به‌صورت کسری پارکینگ ناشی از احداث واحد مازاد یا دشواری استفاده از پارکینگ، منجر به توقف در کوچه شده و در نتیجه موجب مزاحمت برای عابران و سایر مسائل عملکردی برای خود و سایر خانواده‌ها می‌شود. وجود ناامنی و بروز برخی جرائم و بزه‌کاری‌ها، دعوای بین همسایگان در امور مشترک از دیگر مسائل رایج آپارتمان‌هاست. همچنین پیچیدگی، ازدحام و تلفات بالا در هنگام بلایای طبیعی و مصنوع مانند زلزله، آتش‌سوزی، جنگ و رانش زمین در این زمینه قابل توجه است.

۳-۳) فضاهای شهری

محیط و نمودهای مختلف آن (نظیر فرهنگ، خانواده، گروه هم‌سالان و دوستان و آشنایان، مدرسه و نظام‌های آموزشی، قومیت‌ها و مذاهب) در فرایند رشد اخلاقی افراد موثرند و بر این اساس بر الگوهای رفتاری بین‌شخصی در سطح خرد و کلان تأثیر گذارند (ابوالحسنی نیارکی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱). فضای شهری همان فضاهای بیرون ساختمان‌ها شامل کوچه، بن‌بست، خیابان

و میدان هستند. مسیرها در دوران گذشته، اغلب به شکل گذرهایی برای تردد و رفت و آمد سهل مردم در محله و شهر بودند که به تناسب و اقلیم شهر مربوطه دارای عرض مناسب و فرم بومی از قبیل ساباط (مسقف بودن بخشی از مسیر) با بدنه‌ای آجری، کاهگلی یا سنگی بودند. این گذرها اغلب فاقد ویتترین‌های نمایشی بوده و کالاهای غالباً در بازار و بازارچه شهر عرضه می‌شدند. اما در دوران معاصر با ظهور خیابان‌های خرید، ویتترین‌های نمایشی و جذاب برای تماشا و مصرف‌گرایی و پرسه‌زنی مبدل شدند. همچنین اغلب پیاده‌راه‌های سنگفرش که روزه‌روز در شهرهای ایران در حال افزایش هستند، نیز نوع شاخصی از این خیابان‌های خرید و پرسه‌زنی هستند. پیاده‌راه‌ها در برخی موارد (مانند پیرامون بازارهای تاریخی) می‌تواند مناسب بوده، اما به طور کلی الگوی اغلب پیاده‌راه‌ها ناهم‌سنخ با الگوی بومی است. همچنین میدان که در گذشته با تسلط مساجد، جلوخان مساجد محلی برای رویدادهای تعزیه‌خوانی و عزاداری بوده، امروزه به ترکیبی از رویدادهای مختلف با غلبه سواره تبدیل شده است. همچنین کوچه‌ها و بن‌بست‌ها که در گذشته معمولاً فضایی ایمن و امن برای حضور همسایگان و بازی کودکان بود، امروزه به انباشت خودروهای بدون پارکینگ مبدل شده و تردد سریع سواره‌ها تبدیل شده‌اند.

به طور کلی الگوی اسلامی-ایرانی، احکام فضاهای شهری، شارع عام ایجاب می‌کند تا حریم عابران رعایت شده و از هر گونه سد معبر اجتناب شده و از مناظر آشفته و وسوسه‌کننده، بناهای مرتفع تحقیرکننده، مجسمه‌ها و نمادهای غیربومی فارغ باشد. در فضاهای شهری نباید حقوق عموم‌الناس (به وسیله پارکینگ مزاحم، سلب آسایش) تضییع شود. فضاهای شهری در شهر اسلامی باید فضایی مناسب برای تربیت و رشد معنوی انسان باشد، نه فضایی برای استرس‌های محیطی و بروز بزه‌کاری و جرایم.

۳-۴) فضاهای تفریح و گردش

در جامعه اسلامی با اهداف مختلف، بناهایی گوناگون ساخته می‌شود: ۱- بناهای شخصی که فایده آن‌ها محافظت از سرما و گرما، سلامت ساکنان، تامین آزادی‌های فردی، حفظ هویت فکری و اعتقادی و به گونه کلی برای آسایش و آرامش است. ۲- اماکن عمومی شامل مراکز

فرهنگی، مذهبی، بهداشتی، خدماتی و دولتی و عمومی است. بناهای عمومی برای ترویج فرهنگ و دانش، حفظ و ترویج شعائر دینی، حفظ و گسترش بهداشت، ارائه خدمات به مردم و اداره جامعه و حفظ اهداف نظام اسلامی که باید در چهره عمومی بناها و امکان شهر نمایان باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۵۳۷). در این راستا چندین قاعده لازم و ضروری باید رعایت شود: الف) قاعده تسلیط (حق تسلط هر کس بر اموال خود)؛ که در تاسیس بناهای شخصی باید به آن توجه نمود و محور آزادی‌های فردی در کنار زندگی شخصی است. ب) قاعده لاضرر؛ اگر در نتیجه ساخت‌وساز و آزادی‌های فردی، ضرررسانی به دیگران (مانند همسایگان و عابران) باشد، قاعده ضرر مقدم بر قاعده تسلیط بوده و مانع از نفوذ آن‌ها می‌شود و آزادی‌های شخصی افراد را محدود می‌کند. ج) لزوم تعظیم شعائر دینی؛ که برای ساختن اماکن دینی از آن استفاده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۵۳۸).

در تمامی بناهای عمومی و خصوصی و محیط پیرامون باید ملزومات استفاده سهل و آسان و امن و ایمن خانواده فراهم باشد.

همچنین از دیدگاه اسلام برای اوقات فراغت، توصیه‌هایی شده است: از جمله بهترین کارهایی که می‌شود در این اوقات انجام داد از نظر امام سجاد (ع)، چنین است: فراغت همراه با پاکدامنی، از دعا‌های همیشگی اولیای خداست (کلینی، ۱۴۰۰ق، ص ۵۲).

تفریح از نیازهای انسان و خانواده است، در قرآن کریم بر سیر و گردش انسان و استفاده حلال و عبرت تأکید شده است. تفریح و گردش نیز دارای آداب اسلامی مبتنی بر احکام و اخلاق اسلامی است. از جمله این آداب، رعایت حلال و حرام در تمامی ابعاد و رفتارهای تفریحی (از خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها گرفته تا رفتارهای اجتماعی و رویدادها و الگوی معماری بناها و فضاها)، کرامت انسانی خانواده‌ها، توجه به معنویت فضاها، توجه بر جنبه تربیتی فضاها و رویدادها، اجتناب از نقض حریم خانواده‌ها، اجتناب از پرسه‌زنی و تظاهر و خودنمایی می‌توان اشاره نمود. فضا‌های تفریحی در شهرهای معاصر شامل پارک‌ها، بوستان‌ها و شهربازی‌ها، سینماها، مراکز خرید هستند که بازنگری در الگوی طراحی معماری آن‌ها مبتنی بر خانواده و آداب اسلامی ضروری است.

۳-۵) بازارها و فضاهای خرید

بازارهای تاریخی در گذشته و حال، دارای مساجد، تیمچه‌ها و سراها و الگوهای کسب و کار مبتنی بر سیستم حجره‌ای است، در اغلب موارد آداب اسلامی-ایرانی برگرفته از احکام و اخلاق اسلامی را رعایت می‌کردند. از جمله این آداب، الگوی معماری بازار تاریخی است که صرف به تجارت اختصاص ندارد بلکه با حضور مساجد، احکام مکاسب در آن بیان شده و تیمچه‌ها و سراها نیز فضایی برای تعظیم شعائر الهی به‌ویژه جشن‌ها و عزاداری‌های محرم است. افراط و تفریط در ساخت‌وسازها و احداث برج‌ها و آپارتمان‌های بلندمرتبه و مجتمع‌های مسکونی و شهرک‌های مسکونی بزرگ مقیاس موجب دوری از سبک زندگی اسلامی می‌شود. اصل اعتدال در معماری و شهرسازی خانواده‌مبنا مستلزم رعایت تراکم و طبقات کمتر، اعتدال در ترکیب توده و فضا و ضرورت تامین حیاط و فضای باز است.

امری که در برخی بازارهای تاریخی در حال حاضر نیز ادامه دارد. اما در مراکز خرید معاصر و پاساژها که با هدف سرمایه‌گذاری احداث می‌شوند، الگوی خرید و مصرف مفرط را عرضه می‌نمایند. الگوی اسلامی-ایرانی بازارها و مراکز خرید ایجاب می‌کند که حقوق همگان از جمله خانواده‌ها و خریداران رعایت شده و بازار در شهر اسلامی محلی ایمن و امن برای رشد و تعالی شهر و مسلمانان باشد.

۴) بحث و یافته‌ها

۴-۱) الگوی پژوهش

با توجه به مبانی نظری و تحلیل‌های مربوطه می‌توان چارچوب نهایی و یافته پژوهش را به شرح دیاگرام زیر بیان نمود. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود خانواده جایگاهی اساسی در احکام اسلامی و فقه معماری شهرسازی اسلامی داشته و از بین احکام اسلامی، قاعده فقهی نفی سبیل جایگاهی اساسی در الگودهی برنامه‌ها و طرح‌های شهری معطوف به خانواده دارد. به‌طوری‌که هر الگویی که موجب سلطه بیگانه بر شهرهای مسلمانان در جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، فضایی و کالبدی و منظر شهری شود، از منظر این قاعده ممنوع است. الگوی

خانواده‌مبنا در مقیاس شهر، محله، فضاهای شهری و خانه در ابعاد فضایی و کالبدی و عملکردی و حمل‌ونقلی دارای الزاماتی است.



شکل ۱- چارچوب نهایی و یافته‌های پژوهش

۴-۲) آسیب‌شناسی الگوهای رایج شهرسازی از منظر خانواده

در سوره نوح، تسری اعمال کافران در جامعه به دیگران اشاره شده است (نوح: ۲۶-۲۷). تاکید بر هجرت از محیط نامناسب (نساء: ۹۷؛ عنکبوت: ۵۶) و تاکیدات قرآنی بر اصلاح اجتماعی (اعراف: ۱۴۲؛ هود: ۸۸)؛ نمونه‌هایی از توجه سبک زندگی قرآنی به نقش جامعه در اصلاح و فساد اخلاقی و رفتاری است (ابوالحسنی نیارکی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲).

دانش مدرن و دانش حکمی هر دو همواره به دنبال تغییر وضع موجود با رویکرد تمدنی بوده‌اند؛ اما در فرایند این تغییر، دانش مدرن با توجه به فلسفه مضاف دانش‌ها یا مبانی عام فلسفی آن‌ها و تغییر مبانی، مولد مکاتبی در دانش‌های مختلف برای تغییر وضع موجود و ایجاد تمدن جهانی موفق بوده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد به منظور تحقق فضای معماری حکمی (طیب) در مقابل فضای معماری مدرن باید با بازشناسی مبانی فلسفی مدرن در دانش معماری تحت عنوان فلسفه مضاف معماری مدرن و جایگزینی مبانی حکمی درصدد تولید مکاتب حکمی با رویکرد تمدنی بود (اشرافی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۸).

شهرسازی معاصر ایران در ابعاد و موضوعات مختلف از نمونه‌ها و الگوهای غیربومی به‌ویژه شهرسازی غربی و کشورهای اروپایی و آمریکایی الگوگیری کرده است. از مهم‌ترین این الگوها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. طراحی فضاهای شهری که میدان‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌ها، مهم‌ترین مصادیق آن‌ها هستند اغلب به خیابان‌های خرید، پرسه، ماشین‌گردی مبدل شده‌اند. بناهای مجاور فضاهای شهری با خودنمایی بانک‌ها، پاساژها، برج‌ها و ویتترین‌های جذاب، لوکس‌گرایی فعال هستند و برگرفته از سبک زندگی غربی، مصرف‌گرا و تجمل‌گرا را ترویج می‌نمایند. بر اساس احکام فقهی خانواده‌مبنا، تراکم و طبقات بیشتر به‌ویژه برای بناهای خصوصی مجاز نبوده و آسیب‌های عمیقی بر سبک زندگی خانواده‌ها وارد می‌نماید.

۲. طراحی ساختمان‌های عمومی و خصوصی که در انواع و کاربری‌های گوناگون مسکونی، تجاری، اداری و غیره اغلب با الگوی غیربومی احداث می‌شوند. برج‌سازی، بلوک‌های مسکونی و تجاری، ساختمان‌های آپارتمانی متراکم، برج‌های مسکونی و تجاری و مختلط، پاساژها و مراکز خرید و مگامال‌ها و سوله‌هایی که هیچ رابطه‌ای با فرهنگ بومی ایرانی-اسلامی ندارند، طراحی و احداث می‌شوند. این‌گونه ساختمان‌سازی علاوه بر عدم رعایت حریم و اشرافیت همسایه‌ها و حریم مساجد، مسائل عدیده‌ای از لحاظ عملکردی، تاسیساتی و سبک زندگی بر شهروندان تحمیل می‌نماید. از منظر قاعده نفی سیل، این‌گونه طراحی بناها که سبک زندگی مسلمانان را تغییر داده و سبک زندگی غربی و مصرف‌گرا و پرسه‌زن را جایگزین زندگی مومنانه می‌نماید، جایز نیست.

۳. برنامه‌ریزی و طراحی شهرک‌ها و شهرهای جدید که سابقه آن‌ها به الگوی واحد همسایگی کلارنس پری و نظریه باغشهر ابنزرهاوارد برمی‌گردد که پایه‌گذار شهرک‌های مسکونی، شهرهای اقماری و شهرهای جدید در انگلیس و سپس سایر کشورها از جمله ایران شد. شهرک‌های مسکونی با الگوی سواره‌مدار و بی‌توجه به الگوی محله ایرانی-اسلامی طراحی و احداث شده‌اند که الگویی غیربومی است. شهرهای جدید هم که با فاصله حدود ۲۰ کیلومتری مادرشهرها برنامه‌ریزی و احداث می‌شوند با مسائلی از قبیل عدم استقبال مردم به

سکونت در آن، خوابگاه شدن شهر به دلیل نبود مراکز کار و اشتغال در شهر جدید، خلوتی بیش از حد و ناامنی فضاهای شهری در اغلب ساعات شبانه‌روز و ... مواجه هستند. الگوی محله با مرکزیت مسجد، همان الگوی خانواده‌مبنا است که چنین محله‌ای از لحاظ عملکردی نیز خودکفایی محله در تأمین نیازهای ضروری خانواده‌های ساکن ضروری است.

۴. مدیریت شهری بر اساس الگوی ایرانی-اسلامی نه تقلید از بیگانه که شامل الگوهای مدیریتی در حوزه‌های انتخاب شهردار و شورای شهر، مشارکت مردم، حقوق شهروندی، تملک اراضی، سرمایه‌گذاری، خدمات شهری، آموزش‌های شهروندی، سبک زندگی، حمل‌ونقل و برنامه‌های اداره شهر است. در وضعیت فعلی شهرهای ایران، الگوهای مذکور دارای آسیب‌های متعددی است که نبود مدیریت یکپارچه شهری یکی از مهم‌ترین این مسائل است. کم‌توجهی به تخصص‌های شهرسازی اسلامی، علوم انسانی، فقه، علوم اجتماعی و محیط‌زیست و دخالت‌های غیرتخصصی در امور حیاتی که منجر به بروز مسائل عدیده شهری مانند آسیب‌های اجتماعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، آسیب‌پذیری شهر در بحران‌های طبیعی و مصنوعی از جمله تبعات این گونه مدیریت شهری است.

۴-۳) ضرورت اصلاح قوانین مبتنی بر احکام و قواعد فقهی

که در وضعیت فعلی نظام شهرسازی ایران، قوانینی و ساختارهایی است که فقه شهرسازی اسلامی در آن چندان جایگاهی ندارد. از جمله در قانون شهرداری‌ها و به‌ویژه ماده صد آن که اجازه تخلفات ساختمانی، در ازای اخذ جریمه با هدف تأمین درآمد شهرداری را می‌دهد و نیز بر اساس قانون نوسازی و عمران شهری تملک املاک و اراضی برای پروژه‌ها و تعریض معابر به‌صورت اجباری و نه بر اساس قواعد فقهی است. ساختار و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری و به‌ویژه ماده پنج و کمیسیون آن در استان‌ها که مدام در حال اعطای مجوز تغییر کاربری و برج‌سازی است. همچنین مباحث ۲۳ گانه مقررات ملی ساختمان ضمن تمرکز بر استانداردهای فنی و اجرایی، توجهی بر الگوهای بومی ندارد. ارائه خدمات شهری و محله‌ای خانواده‌مبنا مستلزم توجه به احکام اسلامی به‌ویژه قواعد فقهی نفی سبیل است که تمامی جنبه‌های سبک زندگی اسلامی و ایرانی را شامل شود.

اصلاح قوانین در چند سطح می‌تواند انجام شود:

الف) اصلاح ساختاری نظام جامع معماری و شهرسازی کشور (اصلاح قانون شهرداری‌ها و شورای عالی و قانون‌نوسازی و عمران شهری) که در آن از رویه فسادپذیری کمیسیون ماده ۵ قانون شورای عالی و ماده صد قانون شهرداری‌ها جلوگیری شده و تخلفات ساختمانی حذف شود. در این راستا ضروری است که بسترهای سوداگری در نظام ساخت‌وساز (اعم از ملک و بسازبفروشی) حذف و ساماندهی شود.

ب) تمرکز بر نظام آمایش سرزمینی و منطقه‌ای کشور مبتنی بر احکام اسلامی؛ به‌طوری‌که از تمرکزگرایی بر شهرهای بزرگ اجتناب شده و بر توسعه شهرهای کوچک و میانی و آبادانی روستاها، تمرکز شود. این امر با واگذاری زمین به خانواده‌ها برای احداث مسکن با الگوی اسلامی-ایرانی و اجتناب از آپارتمان‌سازی و شهرسازی متراکم غیربومی انجام خواهد شد.

ج) اصلاح مقررات ملی ساختمان و اعمال احکام اسلامی و ایرانی در مباحث فعلی و افزودن مباحث شهرسازی به آن؛ به‌طوری‌که قوانین شهرسازی در دو بخش ملی و منطقه‌ای باشد. قوانین منطقه‌ای مربوط به اقلیم‌های چندگانه و محلی (مانند الگوها و الزامات مصالح و نما و حیاط، الگوی توده و فضا در ساخت‌وساز در مناطق کویری و کوهستانی) ایران بوده و قوانین ملی مربوط به الزامات همگانی (مانند ممنوعیت پیش‌آمدگی بنا در فضاهای عمومی، رعایت حریم عملکردی و کالبدی بناهای عمومی) است.

د) اصلاح رویه طرح‌های جامع و تفصیلی مبنی بر برنامه‌ریزی با تراکم‌های متفاوت و ناعادلانه در مناطق مختلف شهری؛ به‌طوری‌که محلاتی با خانه‌های یک و دو طبقه و حیاط‌دار؛ مرکز محله با مرکزیت مسجد، و تامین نیازهای خانواده‌ها به‌طور جامع طراحی و احداث شود.

۵) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قاعده نفی سیل از قواعد فقه اسلامی است و به دنبال سد راه نفوذ اجانب و بیگانگان در زندگی مسلمانان است. این موضوع در آیات متعدد قرآن کریم در "ممنوعیت نفوذ و ورود بیگانگان

به جامعه مسلمانان" تأکید شده است. امری که در آیات و روایات متعدد نیز بر آن تأکید شده است. این امر در شهرسازی اسلامی در موارد زیر قابل ملاحظه است:

- اصلاح قوانین و مقررات معماری و شهرسازی کشور با الگوی اسلامی-ایرانی در چهار سطح: الف) اصلاح ساختاری نظام جامع معماری و شهرسازی کشور ب) آمایش سرزمینی و منطقه‌ای با الگوی اسلامی-ایرانی و واگذاری زمین برای خانه‌سازی با الگوی اسلامی-ایرانی ج) اصلاح و تکمیل مقررات ملی ساختمان و ارائه ضوابط برای بناهای خصوصی و عمومی د) اصلاح رویه برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی شهری بر مبنای الگوی خانواده‌مبنا.
- مراکز شهر و محله، خانه‌ها، بازارها و فضاهای تفریحی و فضاهای شهری با الگوی اسلامی و با لحاظ احکام اسلامی و نیازهای خانواده‌ها، طراحی و احداث شوند. یکی از نیازهای مهم خانواده در فضاها و اماکن عمومی، رعایت حریم در جنبه‌های حریم فیزیکی، اجتماعی، رفتاری و عملکردی، ایمنی و امنیت است. همچنین پرهیز از الگوی پرتلاطم، مصرف‌گرایی و ساخت‌وسازهای مرتفع و متراکم و آشفته از الزامات الگوی بومی از منظر قاعده نفی سبیل است.
- طراحی محله‌ها و بافت‌های مسکونی؛ الگوهای بلوک‌های بزرگ‌مقیاس و آپارتمان‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی، برج‌ها، آشپزخانه‌ها، نماهای رومی، حیاط‌ها و تراس‌های دارای اشرافیت، وجود سایه‌اندازی‌ها به ساختمان‌های پیرامون، نادیده گرفتن سلسله مراتب و حریم و محرمیت بسیار رایج است که ضروری است با اصلاح مقررات مربوطه و رویه‌های طراحی و صدور مجوز به جایگاه خانواده در محله و خانه اندیشیده شود.
- طراحی بازارها که الگوی رایج برگرفته از معماری غیربومی، پاساژها، مال‌ها، مگامال‌ها و برج‌های تجاری و اداری است و ضروری است که در گسترش آن‌ها بازنگری شود.

- طراحی فضاهای تفریحی خانواده‌مبنا که الگوی رایج مربوطه با تقلید از معماری غربی، پارک‌ها، مجتمع‌های آبی و ... است و استفاده از الگوهای پرخوردار از احکام و اخلاق اسلامی ضروری است.
- طراحی فضاهای ورزشی خانواده‌مبنا که الگوی رایج برگرفته از معماری غیربومی، سوله‌های ورزشی است و ضروری است که با پرهیز از کارکردگرایی صرف به الگوهای بومی همچون زورخانه‌ها و عامل مهم معنویت در طراحی توجه شود.
- طراحی فضاهای صنعتی که الگوی رایج برگرفته از معماری غیربومی، سوله‌های صنعتی است و ضروری است که با پرهیز از کارکردگرایی صرف عامل مهم معنا و معنویت در طراحی توجه شود.
- به‌طور کلی می‌توان گفت قاعده نفی سییل در معماری و شهرسازی اسلامی می‌تواند ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، فضایی، کالبدی و منظر شهری را شامل شود. راهبردهای معطوف به قاعده نفی سییل در معماری و شهرسازی اسلامی عبارت‌اند از:
- توجه به احکام و اخلاق اسلامی در برنامه‌ریزی و طراحی خانه‌ها و محلات مسکونی (ضرورت طراحی خانه ایرانی-اسلامی با الگوی کم‌تراکم و حیاطدار یک یا دو طبقه)
- پرهیز از ایجاد شهرک‌های مسکونی در فاصله دور از مرکز شهر و مراکز کار و تحصیل و اشتغال شهروندان؛ رعایت فاصله مناسب بین خانه و کار و تحصیل
- توجه به سبک زندگی خانواده‌مبنا در برنامه‌ریزی و طراحی بناها و فضاهای عمومی (نظیر بازارها، پارک‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی، ادارات و مدارس) و توجه به نیازهای تمامی گروه‌های سنی و جنسی
- ایجاد فضاهای شهری آرامش‌بخش با استفاده از الگوی باغ ایرانی، حضور آب و گیاه، رنگ‌های آرامش‌بخش
- بازنگری در مبانی و مقررات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، طرح‌های شهری با رویکرد هویت‌بخشی و تحقق قاعده نفی سییل.

– بازنگری در مقررات ملی ساختمان و قوانین شهرداری‌ها با هدف ارتقای آسایش و آرامش در بناها و فضاها و تحقق قاعده نفی سبیل در کالبد شهری.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی). چ ۲. تهران: انتشارات سنا.
۳. ابوالحسنی نیارکی، فرشته. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی رشد اخلاقی در زیست اجتماعی اسلامی از منظر قرآنی. پژوهشنامه سبک زندگی، ۶ (۱۰)، ۹۱-۱۱۶.
۴. اشرفی، نسیم. (۱۴۰۲). تحلیل و نقد ساختار معماری مدرن با تکیه بر مبانی عام هستی‌شناسی و انسان‌شناسی (موضوع مورد نقد: خانه‌های مدرن) و ارائه قواعد روشی برای تحقق خانه حکمی. تحقیقات بنیادین علوم انسانی، (۳۱)، ۱۱۷-۱۴۱.
۵. اسمعیل تبار، احمد. (۱۳۹۶). آموزه‌های اسلامی نظام خانواده و چالش‌های پیش‌رو. الهیات قرآنی، ۵ (۱)، ۳۱-۴۸.
۶. بروجرودی علوی، مهدخت؛ اشرفی، عباس و رزمیان، راضیه. (۱۳۹۳). روابط خانوادگی از منظر تفسیر المیزان. اندیشه علامه طباطبائی، ۱ (۱)، ۵۱-۷۰.
۷. پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۴). انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهر آرمانی اسلامی. پژوهشهای معماری اسلامی، ۳ (۸)، ۳-۲۱.
۸. پیرنیا، محمدرکیم. (۱۳۹۴). سبک‌شناسی معماری ایران (تدوین غلامحسین معماریان). تهران: نشر پژوهنده.
۹. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۰). حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. چ ۱. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴). مفاتیح‌الحیات. چ ۱. قم: نشر اسراء.
۱۱. حسن‌زاده، صالح. (۱۳۹۴). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۴ (۱۵)، ۴۵-۶۸.
۱۲. حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱). شهرهای عربی اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی (ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۱۳. حیاتی، زینب و مولائی، اصغر. (۱۴۰۲). تحلیل آسیب‌شناختی نماهای مسکونی بر پایه اصول فقهی و اخلاقی و ارتباطات چهارگانه انسانی. پژوهشهای معماری اسلامی، ۴ (۱۱)، ۲۴-۴۲.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). قانون زوجیت، منشأ تشکیل خانواده (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان). قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۵. خمینی، سیدروح‌الله (امام). (۱۳۸۵). صحیفه امام (ره). چ ۱. تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۶. دامپار، سجاد و ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن. معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۱۷ (۱)، ۶۵-۷۲.
۱۷. دری، مصطفی و همکاران. (۱۳۹۷). فقه مدیریت شهری (۷ جلد). چ. ۱. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۱۸. رایگان، محمود و قاسمیان، رضا. (۱۳۹۳). نقش قاعده نفی سبیل در توسعه جوامع اسلامی. حکومت اسلامی، ۱۹ (۱)، ۱۶۴-۱۳۹.
۱۹. ریمون، آندره. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر شهرهای بزرگ عربی اسلامی (ترجمه حسین سلطانزاده). تهران: نشر آگاه.
۲۰. سیفیان، محمدکاظم. (۱۳۷۷). قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی. هنرهای زیبا، ۷۳-۷۷ (۳).
۲۱. ضیابخش، علی. (۱۳۸۶). قاعده نفی سلطه. معرفت، ۱۱۵ (۱)، ۳۹-۵۰.
۲۲. عباس‌زادگان، مصطفی. (۱۳۸۳). نگرش نهضت مدرن معماری شهری به فضاهای شهری. شهرداری‌ها، ۶۷ (۶)، ۴۵-۳۹.
۲۳. عثمان، محمد عبدالستار. (۱۳۷۶). مدینه اسلامی (ترجمه علی چراغی). تهران: امیر کبیر.
۲۴. علی‌دوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). قاعده نفی سبیل. مقالات و بررسیها، ۳۷ (۷۶)، ۲۳۱-۲۵۳.
۲۵. عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی و تبیین قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی. معارف فقه علوی، ۴ (۶)، ۵-۲۶.
۲۶. فرج، ابراهیم. (۱۳۹۰). طراحی الگوی سعادت‌محور مصرف. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۴ (۱)، ۶۷-۹۱.
۲۷. فضل‌زرنندی، فهیمه و امیددی فرد، عبدالله. (۱۴۰۲). بررسی قواعد تقیه و نفی سبیل در روابط ایران با دیگر کشورها برای دستیابی به انرژی‌های جدید. پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه، ۱ (۲)، ۸۳-۱۱۳.
۲۸. کاستللو، وینسنت. (۱۳۶۸). شهرنشینی در خاورمیانه (ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی). تهران: نشر نی.
۲۹. کافی، مجید. (۱۴۰۰). اوقات فراغت در سبک زندگی خانوادگی. پژوهشنامه سبک زندگی، ۷ (۱۲)، ۳۷-۵۸.
۳۰. کشاورزی، شیم و خاتمی، سیدمهدی. (۱۴۰۱). واکاوی مفهوم کرامت در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در ساخت شهر. رهپوی معماری و شهرسازی، ۱ (۱)، ۳۱-۴۲.
۳۱. محسنی، رضا علی. (۱۳۸۸). اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل شهری در ایران: مطالعه موردی شهرگران. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۳ (۳)، ۲۳-۴۲.
۳۲. مرتضی، هشام. (۱۳۹۵). اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام (ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی). تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۳۳. معین، محمد. (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی. چ. ۸. تهران: انتشارات سرایش.

تبیین احکام فقهی معماری و شهرسازی اسلامی خانواده‌مبنا با تأکید بر قاعده نفی سبیل به عنوان یک | ۳۱

۳۴. منان رئیسی، محمد. (۱۳۹۷). معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی: از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود. قم: انتشارات دانشگاه قم.
۳۵. مولائی، اصغر. (۱۴۰۱ق). تبیین جایگاه قاعده فقهی لایحرج در شهرسازی اسلامی. فقه و اصول، ۵۴ (۲)، ۱۵۷-۱۸۲.
۳۶. مولائی، اصغر. (۱۴۰۲ق). بازشناسی جایگاه قاعده فقهی اهم و مهم در برنامه‌ها و طرحهای شهری. فقه و اصول، ۵۵ (۴)، ۱۹۵-۱۶۳.
۳۷. مولائی، اصغر؛ محمدزاده، مریم و مدقالچی، لیلا. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهرسازی خانواده‌مبنا در محله‌های اسلامی ایرانی. اقتصاد و برنامه ریزی شهری، ۴ (۴)، ۹۰-۱۱۵.
۳۸. مولوی وردنجانی، سعید. (۱۴۰۰). واکاوی وضعیت تشبه به کفار در فقه عامه و امامیه. پژوهشهای فقهی، ۱۷ (۱)، ۱۷۵-۲۰۳.
۳۹. موسوی، سیدابراهیم. (۱۳۸۰). قاعده نفی عسر و حرج. حقوقی دادگستری، ۶۵ (۳۴)، ۳۳-۵۰.
۴۰. نادری، نجمه؛ ندیمی، حمید و جدیدی، علی. (۱۳۹۱). انکار، اثبات یا تأمل؟ پیرنیا و احراز اصول معماری ایرانی. صفة، ۵۹ (۱۵)، ۲۴-۱۵.
۴۱. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۰). صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. هنرهای زیبا، ۵ (۴)، ۴۷-۶۱.
۴۲. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
۴۳. همایون، محمدهادی؛ جعفرزاده، مجتبی و کیمیایی دوفین، ابراهیم. (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر نقش قاعده نفی سبیل (با تأکید بر آراء امام خمینی (ره)). دین و سیاست فرهنگی، ۱۶ (۱۶)، ۷۱-۹۷.
44. PÁTKAIBENDE, A. (2023). KEY CHARACTERISTICS OF FAMILY-FRIENDLY CITIES: A REVIEW. *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, (1) 18, 84-74.

References

The Holy Qur'an.

1. Abbās-Zādahān, Muṣṭafā. (2004). The modernist architectural movement's approach to urban spaces. *Municipalities*, (67), 39-45.
2. Abū al-Ḥasanī Niyārki, Fereshteh. (2020). Pathology of moral development in Islamic social life from a Qur'anic perspective. *Lifestyle Research Journal*, 6(10), 91-116.
3. Alīdūst, Abū al-Qāsim. (2004). The principle of negation of domination (Nafy al-Sabīl). *Articles & Reviews*, 37(76), 231-253.
4. Andalīb, 'Alī Riḍā. (2018). Examination and explanation of urban planning principles from Islamic jurisprudence perspective. *Alawī Jurisprudential Knowledge*, 4(6), 5-26.
5. Ashrafi, Nasīm. (2023). Analysis and critique of modern architectural structure based on general ontological and anthropological foundations (Case study: Modern

- houses) and presentation of methodological rules for realizing philosophical houses. *Fundamental Research in Humanities*, (31), 117-141.
6. Burūjirdī 'Alawī, Mahdakht; Ashrafi, 'Abbās; & Razmiyān, Rāḍiyah. (2014). Family relationships from the perspective of Tafsīr al-Mīzān. *Allāmah Ṭabāṭabā'i's Thought*, 1(1), 51-70.
7. Costello, Vincent. (1989). *Urbanization in the Middle East* (Translated by Parvīz Pīrān & 'Abd al-'Alī Riḍā'i). Ney Publishing.
8. Dāmīyār, Sajjād & Nārī Qummī, Mas'ūd. (2012). Comparative study of the concept of space in vernacular and modern architecture. *Architecture & Urban Planning (Fine Arts)*, 17(1), 65-72.
9. Darī, Muṣṭafā et al. (2018). *Jurisprudence of urban management* (7 vols.) (1st ed.). Tehran Urban Planning & Research Center.
10. Ḍiyābakhsh, 'Alī. (2007). The principle of negation of domination (Nafy al-Sulṭah). *Ma'rifat*, (115), 39-50.
11. Faraj, Ibrāhīm. (2011). Designing a happiness-oriented consumption model. *Islamic Economics Studies*, 4(1), 67-91.
12. Fazl Zarandī, Fahīmāh & Omīdīfard, 'Abdullāh. (2023). Examining the principles of taqiyyah (dissimulation) and nafy al-sabīl (negation of domination) in Iran's relations with other countries for accessing new energy sources. *Jurisprudential Research on Emerging Issues*, 1(2), 83-113.
13. Ḥakīm, Basīm Salīm. (2002). *Arab-Islamic cities: Principles of urban planning and construction* (Translated by Muḥammad Ḥusayn Malik Aḥmadī & 'Arif Aqvāmī Muqaddam). Iran Printing & Publishing Organization.
14. Ḥasan-Zādah, Ṣālih. (2015). Factors strengthening family in Islamic culture. *Qur'anic Knowledge Research Journal*, 4(15), 45-68.
15. Ḥayātī, Zaynab & Mūlā'i, Aṣghar. (2023). Pathological analysis of residential facades based on jurisprudential and ethical principles and quadruple human relationships. *Islamic Architecture Research*, 4(11), 24-42.
16. Humāyūn, Muḥammad Hādī; Ja'farzādah, Muḥtabā; & Kīmīyā'i Duvīn, Ibrāhīm. (2021). Cultural policy-making based on the principle of negation of domination (nafy al-sabīl) (With emphasis on Imam Khomeini's views). *Religion and Cultural Policy*, (16), 71-97.
17. Ismā'īl-Tabār, Aḥmad. (2017). Islamic teachings on family system and its challenges. *Qur'anic Theology*, 5(1), 31-48.
18. Jawādī Āmulī, 'Abd Allāh. (2015). *Keys to life* (1st ed.). Asrā Publication.
19. Ja'farī, Muḥammad Taqī. (1991). *Universal human rights from Islamic and Western perspectives* (1st ed.). International Legal Services Office of the Islamic Republic of Iran.
20. Kāfī, Majīd. (2021). Leisure time in family lifestyle. *Lifestyle Research Journal*, 7(12), 37-58.
21. Khamenei, Sayyid 'Alī. (2022). *The law of marriage as the foundation of family formation* (Statements in meeting with various groups of women). Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir>, Last accessed on June 1, 2025.
22. Khomeinī, Sayyid Rūḥ Allāh (Imām). (2006). *Imam's Sahifah* (1st ed.). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.

23. Kishāvarzī, Shīmā & Khātāmī, Sayyid Mahdī. (2022). Analyzing the concept of human dignity (karāmah) in Islamic thought and its reflection in urban structure. *Architecture and Urbanism*, 1(1), 31-42.
24. Muḥsinī, Ridā 'Alī. (2009). Prioritization of urban problems and damages in Iran: Case study of Gorgan city. *Social Sciences Research Journal*, 3(3), 23-42.
25. Mūlavī Vardanjānī, Sa'īd. (2021). Analyzing the status of imitation of non-believers (tashabbuh bi al-kuffār) in Sunni and Shiite jurisprudence. *Jurisprudential Research*, 17(1), 175-203.
26. Mūlā'ī, Aṣghar; Muḥammadzādah, Maryam; & Madqalchī, Līlā. (2023). Identifying components and indicators of family-oriented urban planning in Iranian-Islamic neighborhoods. *Urban Economics and Planning*, 4(4), 90-115.
27. Mūlā'ī, Aṣghar. (2022). Explaining the position of the jurisprudential principle of "no hardship" (lā ḥaraj) in Islamic urban planning. *Jurisprudence and Principles*, 54(2), 157-182.
28. Mūlā'ī, Aṣghar. (2023). Re-examining the position of the jurisprudential principle of "prioritizing the more important" (al-ahamm wa al-muhimm) in urban programs and plans. *Jurisprudence and Principles*, 55(4), 163-195.
29. Munān Ra'īsī, Muḥammad. (2018). Architecture and urban planning compatible with Islamic lifestyle: From describing the ideal state to analyzing the current situation. Qom University Press.
30. Murtadā, Hishām. (2016). *Traditional construction principles in Islam* (Translated by Abū al-Faḍl Mishkīnī & Kiyūmars Habībī). Center for Urban Planning and Architectural Studies.
31. Mūsawī, Sayyid Ibrāhīm. (2001). The principle of negation of hardship (nafy al-'usr wa al-ḥaraj). *Judicial Law Journal*, 65(34), 33-50.
32. Mu'tin, Muḥammad. (2005). *Persian dictionary* (8th ed.). Sarāyish Publication.
33. Nādīrī, Najmah; Nadīmī, Ḥamīd; & Jadīdī, 'Alī. (2012). Denial, confirmation or reflection? Pirniā and verification of Iranian architectural principles. *Soffeh*, (59), 15-24.
34. Nahj al-Balāgha (Translated by Muḥammad Dashtī). (n.d.). *Peak of Eloquence* (2nd ed.). Sanā Publication.
35. Naqīzādah, Muḥammad. (2001). Characteristics of Islamic cities in Islamic texts. *Fine Arts*, (4-5), 47-61.
36. Naqrahkār, 'Abd al-Ḥamīd. (2008). *An introduction to Islamic identity in architecture and urban planning*. Ministry of Roads and Urban Development.
37. Pátkaibende, A. (2023). Key characteristics of family-friendly cities: A review. *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 18(1), 74-84.
38. Pīrnīyā, Muḥammad Karīm. (2015). *Iranian architectural styles* (Compiled by Ghulām Ḥusayn Mi'māriyān). Pajūhandah Publication.
39. Pūr Ja'far, Muḥammad Ridā. (2015). Types of Islamic cities and references to indicator development for the ideal Islamic city. *Islamic Architecture Research*, 3(8), 3-21.
40. Rāygān, Maḥmūd & Qāsimiyān, Ridā. (2014). The role of the principle of "negation of subordination" (Nafy al-Sabīl) in developing Islamic societies. *Islamic Government*, 19(1), 139-164.

41. Raymond, André. (1991). *Introduction to major Arab-Islamic cities* (Translated by Husayn Sulṭānzādah). Āgāh Publication.
42. Sayfīyān, Muḥammad Kāzīm. (1998). The principle of "no harm" (Lā Ḍarar) and its observance in Islamic architecture and urban planning principles. *Fine Arts*, (3), 73-77.
43. Uthmān, Muḥammad ‘Abd al-Sattār. (1997). *The Islamic city* (Translated by ‘Alī Chirāghī). Amīr Kabīr Publication

